

## تاریخ بخارا

نوشته شده و با عنوان تاریخ‌های محلی مشهورند، در میان منابع و مأخذ تاریخ ایران به دلایلی چند از اهمیت و اعتباری ویژه برخوردارند. از جمله این دلایل یکی آن است که به قول استاد دکتر زرین کوب «در باب سلسله‌های مستقل محلی که قسمت عمده تاریخ ایران قبل از صفویه حاوی آنست مهم ترین مرجع در واقع تاریخ‌های محلی خواهد بود».<sup>۱</sup> علاوه بر آن اطلاعاتی که این‌گونه کتب که «غالباً مشحون از انواع اطلاعات و اخبار مفید و کم‌نظیر و در بعضی موارد نیز حاوی قصه‌ها و روایت‌های مبالغه‌آمیزست»<sup>۲</sup>، از ویژگی‌های جغرافیایی، حوادث تاریخی، اوضاع اقتصادی و مسائل اجتماعی و فرهنگی منطقه موردنظر در طی قرون و اعصار ارائه می‌دهند، بسیار سودمند است.

شادروان علامه محمد قزوینی در مقدمه‌ای که بر تاریخ یهیق (تألیف ابوالحسن علی بن زید یهیق) نوشته است، بر اهمیت توجه به تاریخ‌های محلی تأکید ورزیده عقیده دارد که: «چون اطلاع از تاریخ عام هر مملکتی کماهوجه موقوف به اطلاع از تاریخ خصوصی هر ناحیه از نواحی مختلفه آن مملکت است لهذا برای تألیف تاریخ جامع مبسوطی از ایران... قبل از همه چیز لازم است که تواریخ محلی ولایات مختلفه ایران متدرجاً تصحیح و طبع شده... در محل دسترس فضلاً نهاده شود تا مواد لازمه برای تألیف تاریخ عام مذکور به تدریج فراهم گردد».<sup>۳</sup>

راجع به دلیل توجه به تألیف تاریخ‌های محلی در کتاب مدخل تاریخ شرق اسلامی تألیف ڈان سواؤه آمده است که: «دوران حکومت‌های بزرگ طبیعتاً برای تدوین تواریخ گسترده مساعدتر است و در دوره‌های تجزیه سیاسی تواریخ محلی ولایات مختلفه قرار می‌گیرد».<sup>۴</sup>

ضعف و انحطاط دستگاه خلافت عباسی که بیویژه بعد از مرگ خلیفه معتصم آغاز شد، به افزایش قدرت حکومت‌های محلی منجر گردید و سلسله‌های محلی به حمایت از دانشمندان و ادبیان در حوزه حکومت خود پرداخته آنها را به تألیف کتب علمی و ادبی تشویق کردند. فرمانروایان محلی با اعطای هدایا و پاداش‌های لایق، در جذب دانشمندان و ادبیان سایر ممالک به دربار خویش کوشش داشتند. به قول بارتولد «پاشیدگی امپراتوری اسلامی می‌باشد به پیشرفت دانش و ادب لائق از لحظه کمیت کند».<sup>۵</sup>

بعد از تجزیه قلمرو خلفاً آثار جدیدی در باب شناخت ماناطق محلی به وجود آمد که در این‌گونه آثار، مجموع جهان مذکور نویسنده قرار ندارد بلکه وی تنها به محدوده سیاسی خاصی که در آن بسر می‌برد متوجه است. در نتیجه این امر تکنگاری‌های بسیار دقیقی تألیف گردیده که طبعاً متأثر از وطن پرستی محلی است.<sup>۶</sup>

راجع به انگیزه تدوین کتاب‌های تاریخ محلی، دکتر زرین کوب معتقد است که «... در واقع موجب تألیف این‌گونه تاریخ‌ها در اوایل ظاهراً تا حدی تدوین اطلاعات در باب کیفیت فتح بلا بوده است تا در مورد

برگزیده تاریخ‌های محلی

زیرین

ابوالحسن عباسی بن نصر اقبالی

تاریخ

محمد بن فرزانه

تاریخ

میرزا شفیع

## تاریخ بخارا

### نوسخه

نمونه‌ای نفیس

از

تاریخ‌های محلی

دکتر سید ابوالقاسم فروزانی

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

تاریخ بخارا

تألیف: ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی

(۲۸۴-۳۴۸ق)

ترجمه: ابونصر احمد بن محمد بن نصر قیاوسی

تلحیص: محمد بن زفرین عمر

تصحیح و تحریش: سید محمد تقی مدرس رضوی

ناشر: انتشارات توسع، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.

اخذ و جمع مال خراج اساس و زمینه موثق و درستی در دست باشد و چون درین باب بحسب آن که شهری به صلح گشوده شده باشد یا به جنگ حکم خراج تفاوت داشته است، در هر شهری از قدیم واقفان و علاقه‌مندان به تدوین اطلاعات و جمع اخبار مطالب تازه‌ای افزوده‌اند و بعدها دیگران بر آن اطلاعات و اخبار مطالب تازه‌ای افزوده‌اند.<sup>۷</sup>

بارتولد کتاب تاریخ ولاده خراسان نوشته ابوالحسین علی بن احمد سلامی را که در نیمة اول قرن چهارم هجری در خدمت امرای چغایان بود، متنب اصلی مؤلفانی می‌داند که اطلاعاتی مشروح در مورد تاریخ خراسان و ماوراء‌النهر بودست داده‌اند. وی ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن خوشی کعبی (متوفی به سال ۳۱۹ هجری) مؤلف کتاب‌های محاسن آن طاهر و مفاتیح خراسان را از اسلاف سلامی دانسته است.<sup>۸</sup>

متأسفانه اصل هیچ‌کدام از تألیفاتی که در عهد سامانیان در باب تاریخ پاره‌ای از شهرهای متعلق به قلمرو حکومتشان نوشته شده، باقی نمانده است و اطلاع ما از کتاب‌های مذکور یا از طریق مطالبی است که درباره آنها در دیگر تألیفات آمده یا برگزیده‌هایی از آن کتاب‌ها که در تألیفاتی چون الانساب سمعانی ذکر شده است. همچنین تلخیص و ترجمه‌هایی به زبان فارسی از بعضی تواریخ محلی باقی مانده است که تاریخ نیشاپور تألیف ابن‌البیع (حاکم نیشاپوری) و تاریخ بخارا تألیف نوشخی از آن جمله‌اند.

بارتولد ضمن بیان این مطلب که باید بیشتر تاریخ‌های محلی را که در باب شهرهای ماوراء‌النهر به رشتة تحریر درآمده‌اند، مذهبی خواند نه تاریخی دلیل می‌آورد که مؤلف این‌گونه آثار عادتاً کلمات قصاری منسوب به پیامبر اکرم (ص) و اصحاب آن حضرت را در باب محاسن شهر خویش نقل کرده «وزان پس شیوخ و مقدسینی را که از شهر بخارا هست برمی‌شمرد و برای شرح دیگر و قایعی که در زندگی شهر روی داده جای کمی باقی می‌ماند». اما با توجهی گذرا بر مطالب کتاب مورد بحث ما (یعنی تاریخ بخارا تألیف نوشخی) مشخص می‌شود که ذکر احادیثی در فضیلت بخارا از پیامبر اکرم (ص) و اصحاب و تابعین او موجب بی‌توجهی به مسائل دیگر مربوط به آن شهر نشده است.

بنابراین به نوشته سید محمد تقی مدرس رضوی درباره تاریخ بخارا هشت کتاب تألیف یافته و احتمالاً تاریخ بخارایی که ابو عبدالله محمد بن اسماعیل جعفی الحافظ صاحب صحیح بخاری (متوفی به سال ۲۵۶ هـ. ق.) نوشته، از همه قدیمی تر است. اما از آن میان تنها تلخیصی از ترجمة تاریخ بخارای نوشخی و تاریخ مزارات بخارا (تاریخ ملازاده) تألیف احمد بن محمود باقی مانده است.<sup>۹</sup>

سمعانی در الانساب، ابوبکر محمد بن جعفر نوشخی (مؤلف تاریخ بخارا) را از اهالی بخارا متولد سال ۲۸۶ هـ. ق. دانسته است.<sup>۱۰</sup> ابوبکر محمد نوشخی کتاب تاریخ بخارا را در سال ۳۳۲ هـ به زبان عربی تألیف و به امیر حمید نوح بن نصر سامانی تقدیم

# بخارا

دستاورده قرون وسطی

تألیف  
ریچارد ن. فرای

ترجمه  
محمود محمودی

◀ دوران حکومت‌های بزرگ طبیعتاً برای تدوین تواریخ گستردۀ مساعدتر است و در دوره‌های تجزیه‌سیاسی تواریخ محلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

◀ متأسفانه اصل کتاب تاریخ بخارای ترشخی به زبان عربی از میان رفته است. همچنین از ترجمۀ فارسی این کتاب که توسط ابونصر احمد القباوی انجام پذیرفت، اثری باقی نیست. در واقع کتابی که امروزه با نام تاریخ بخارا در دسترس ماست همان تلخیصی است و محمدبن جریر الطبری آورده است...<sup>۱۹</sup>

او آثار پیشینیان می‌باشد. مترجم کتاب (ابونصر احمد القباوی) نیز ضمن حذف مواردی که به قول اوی ملال آور بوده، مطالبی را از مأخذ دیگر به این کتاب افزوده است به عنوان مثال وی در بحث راجع به المقنع با استناد به اینکه مطالب مؤلف کتاب (محمدبن جعفر ترشخی) در آن زمینه کامل نیست، با استفاده از کتاب شخصی به نام ابراهیم (که او را صاحب اخبار مقنع می‌خواند) و کتاب محمدبن جریر طبری، مطالب راجع به المقنع را کامل کرده است. وی در این مورد می‌گوید: «محمدبن جعفر (ترشخی) در کتاب خود این فصل را آورده است لیکن ناتمام و ابراهیم که صاحب اخبار مقنع است و محمدبن جریر الطبری آورده است...»<sup>۲۰</sup>

متأسفانه اصل کتاب تاریخ بخارای ترشخی به زبان عربی از میان رفته است. همچنین از ترجمۀ فارسی این کتاب که توسط ابونصر احمد القباوی انجام پذیرفت، اثری باقی نیست. در واقع کتابی که امروزه با نام تاریخ بخارا در دسترس ماست همان تلخیصی است که محمدبن زفر از ترجمۀ تاریخ بخارا به عمل آورده است. در مورد محتوای این کتاب در سطور قبل توضیح داده شد. راجع به نظر این کتاب «... ساده و بسیار روان و بی‌پیرایه است».<sup>۲۱</sup> مدرس رضوی نیز عقیده دارد که: «عبارت‌شن ساده و شیرین و در میان کتاب‌های نشر فارسی مقامی بس بلند وارجمند دارد».<sup>۲۲</sup> وبالاخره دکتر عبدالحسین نوابی در این مورد می‌گوید: «نشر کتاب شیرین و روان است و با اینکه در قرن ششم نوشته شده، اما همان سادگی و روانی و جملات کوتاه و احیاناً تکرار‌آمیز و کمی لغات عربی قرن چهارم را هنوز حفظ کرده است و هر چند جای جای سنت به نظر می‌رسد، ولی یقیناً در روزگار نخست نشری یکپارچه و منسجم داشته و بعدها بر اثر تصرف کاتبان و نسخه‌پردازان احتمالاً این سنت در نشر راه یافته است».<sup>۲۳</sup>

این کتاب که نسخه‌های خطی متعددی از آن در کتابخانه‌های معتبر دنیا وجود دارد به نوشته مدرس رضوی اولین بار توسط سرالکساندرونز در سال ۱۸۳۲ م به اروپا برده شد. همچنین ا. وامبری ترجمه تلخیص شده اثر ترشخی را مورد توجه قرار داد و شارل شفر خاورشناس معروف فرانسوی آن را با حواشی اوزشمندی به زبان فرانسه ترجمه کرد. در سال ۱۸۹۷ م، مستشرق روسی، ن. س. لیکوشین تاریخ بخارا تحت نظرات بارتولدزه به زبان روسی در تاشکند ترجمه نمود.<sup>۲۴</sup> در سال ۱۹۵۴ م ریچارد ن. فرای این کتاب را به زبان انگلیسی درآورد.<sup>۲۵</sup> قابل توجه است که فرای در تحقیق ارزنده خود با نام بخارا دستاورده قرون وسطی به کتاب تاریخ بخارای ترشخی توجیه خاص نشان داده و از آن استفاده شایانی برده است.<sup>۲۶</sup> وبالاخره اینکه در سال ۱۹۶۵ م دو تن از فضلاه مصر بنامهای امین عبدالمجیدی و نصرالله مبشر الطرازی کتاب تاریخ بخارا را به عربی ترجمه و منتشر کردند.<sup>۲۷</sup>

تاریخ بخارا در سال ۱۳۱۷ ه. ش توسط محقق فاضل شادروان مدرس رضوی تصحیح گردید و به چاپ رسید. پس از آن در سال ۱۳۵۱ ه. ش به اهتمام محقق

نموده است. در سال ۱۳۲۲ ه. ابونصر احمد بن محمد بن نصرالقباوی کتاب تاریخ بخارا را از عربی به فارسی برگرداند. مترجم خود در این باره می‌گوید: «... و بیشتر مردم به عربی رغبت نمایند. دوستان از من درخواست کردند که این کتاب را به فارسی ترجمه کن. فقریر درخواست ایشان اجابت کردم و این کتاب را به پارسی ترجمه کردم...».<sup>۲۸</sup>

آنچنان که در سطور آینده خواهیم دید ابونصر احمد القباوی مطالبی را از کتاب تاریخ بخارای ترشخی حذف و قسمت‌هایی را به آن اضافه نموده است. در سال ۱۳۷۴ ه. محمدبن زفر بن عمر ترجمه کتاب تاریخ بخارا را مختصر کرده به صدر صدور جهان خواجه امام عبدالعزیز بخاری حنفی (رئیس شهر بخارا) پیشکش کرد.<sup>۲۹</sup> از آنجا که در کتاب تاریخ بخارای موجود از حوادث مربوط به بعد از سال ۱۳۷۴ ه (مانند تسخیر بخارا توسط سلطان محمدخوارزمشاه در سال ۱۳۶۴ ه) سخن رفته،<sup>۳۰</sup> معلوم می‌شود که بعد از محمدبن زفر شخصی ناشناس مطالب مذکور را به کتاب تاریخ بخارا اضافه کرده است. باری، کتاب تاریخ بخارا که به قول مترجم آن «در ذکر بخارا و مناقب و فضائل او و آنچه در وی است و در روستاهای وی از مرافق و منافع و آنچه به وی نسبت دارد و ذکر احادیثی که در فضیلت بخارا آمده است...»<sup>۳۱</sup> می‌باشد، کتابی است تفییس و ارزشمند و دارای اعتباری ویژه از حیث مطالب تاریخی و اجتماعی. در این کتاب از ناحیه بخارا و ضمائم آن از قبیل کرمیه، زندنه، و رخشنه و بیکند، بنای ارگ بخارا، ریض و دیوار بخارا، خراج بخارا و نواحی آن، نحوه فتح بخارا توسط مسلمانان، بنای مسجد جامع، تقسیم بخارا میان عرب و عجم، قیام شریک بن شیخ المهری، خروج المقنع، کیفیت قدرت یا ای ال سامان و حکومت امرای سامانی تا ابوالحارث منصور بن نوح، سخن رفته است. استاد دکتر عبدالحسین نوابی معتقد است که محتوای تاریخ بخارا فراتر از یک تاریخ محلی است. وی می‌گوید: «تاریخ بخارا اصلًا تاریخ محلی است، از آن دسته کتب که در تاریخ ناحیتی خاص نوشته شده... اما استعمال این کتاب بر تاریخ سامانیان و ذکر فرد فرد آنان و کیفیت نفوذ و رسوخ اسلام و ظهور مخالفان اسلام و عرب مانند المقنع و دیگران بیشتر بدین کتاب جنبه تاریخ به معانی عام داده تا یک تاریخ محلی، هر چند که از این لحاظ نیز مطالبی که در این کتاب آمده، از لحاظ بافت شهر و نخستین مسجد و منابر آن و محلات شهر بسیار دلکش و شیوه است».<sup>۳۲</sup>

بارتولد ضمن اشاره به این موضوع که «متن اصلی آن بیش از تواریخ دیگر شهرها حاوی اطلاعات تاریخی بوده»<sup>۳۳</sup> ادامه می‌دهد که «ترشخی گاه مشرف بر از طبری درباره اشکنی‌های اعراب سخن می‌گوید. ظاهراً مؤلف از آثار مورخان عرب (زبان) که دست ما نرسیده استفاده کرده است و حتی در یکجا علی‌الظاهر به «مداینی» استناد و اشاره می‌کند».<sup>۳۴</sup>

پارهای از مطالب تاریخ بخارا از مشاهدات مؤلف و بعضی از شنیده‌های او از مطلعین معاصر وی می‌باشد. اما راجع به حوادث پیش از زمان مؤلف، منابع اطلاعات

